

# قاریخ نقد ادبی در ایران

مید صاحب جمعی

A History of  
Literary Criticism in Iran  
(1866 - 1915)  
by Iraj Parsinejad  
IBEX Publishers  
Bethesda, MD 20824, U. S. A

• تاریخ نقد ادبی در ایران

۱۹۱۵ - ۱۸۶۶

• نوشتۀ: ایرج پارسی نژاد

• نشر آیکمن - مریلند آمریکا

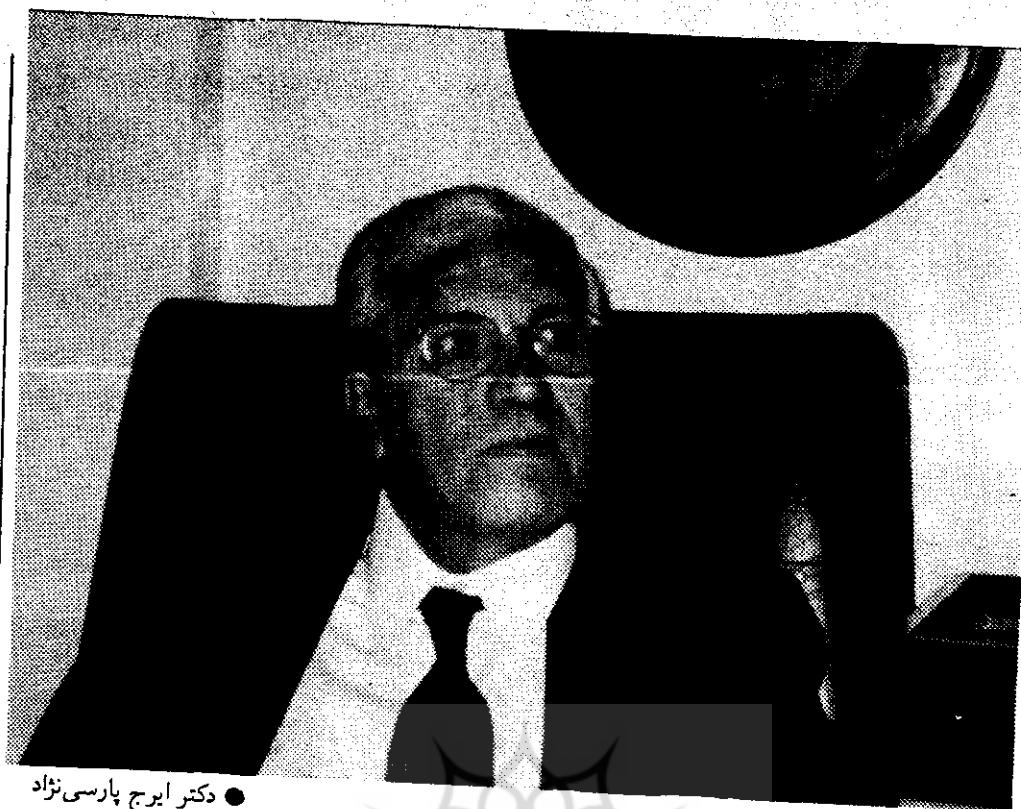
به تازگی ترجمه انگلیسی کتاب «روشنفکران ایرانی و نقد ادبی» با عنوان «تاریخ نقد ادبی در ایران ۱۹۱۵ - ۱۸۶۶» توسط نشر IBEX در مریلند آمریکا منتشر شده است.

«روشنفکران ایرانی و نقد ادبی» را پیش ازین نشر سخن در ایران نشر داده بود. این بار تحریر و نشر انگلیسی کتاب به قلم مؤلف و با ویراستاری دیک دیویس در آمریکا با ستایش محافل دانشگاهی و ایران‌شناسی رو به رو شده است.

«تاریخ نقد ادبی در ایران» نمونه یک تحقیق علمی و روشنمند دانشگاهی است که با توجه به فلسفه تاریخ و تحلیل انتقادی و با مراجعه به منابع و مراجع اصیل و دست اول فراهم آمده و پیشینه تاریخی نقد ادبی از عصر قاجار تا زمان حاضر را مورد پژوهش قرار داده است.

باید یادآور شد که تحقیقات استاد عبدالحسین زرین‌کوب، در زمینه نقد ادبی، تا عصر مشروطه ایران را در بر می‌گیرد، اما زمینه و زمانه کتاب مورد بحث تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته بوده است.

درین کتاب در پی «پیش گفتار» جامعی زندگینامه و آثار هفت تن از روشنفکران درباره نقد ادبیات مطرح شده است: میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان، زین‌العابدین مراغه‌ای، طالبوت تبریزی، احمد کسری و صادق هدایت. در بخش «پیوست» مقاله تاریخی «قرتیکا» و مقاله‌های دیگر آخوندزاده در حوزه نقد ادبی به انگلیسی شیوایی ترجمه شده است.



● دکتر ایرج پارسی نژاد

در «پیش‌گفتار» نویسنده می‌گوید که پیدایش نقد ادبی جدید در ایران ناشی از پیدایش انتقاد اجتماعی بوده که آن نیز به سهم خود از ظهرور تفکر انتقادی در جامعه ایرانی برخاسته است. به عبارت دیگر، روشنگران ایرانی به یاری تفکر انتقادی، که مولود نگرش عقلانی است، نخست به تضاد نهادهای سیاسی و اقتصادی پی‌بردند و سپس به بررسی مظاہر فرهنگی، که ادبیات شاخه‌ای از آن است، پرداختند و درین فرایند آنچه را که مخالف عقل و منطق بود مورد انتقاد قرار دادند. به گفته نویسنده «زمانی که نظریات عقلی جانشین سنت احکام نقلی می‌شد تفکر انتقادی پدید می‌آید و تمایل به تجدد پیدا می‌شود، تجدیدی که اصول تازه مبتنی بر نیازهای معقول زمانه را از اقتصاد و سیاست گرفته تا هنر و ادبیات طلب می‌کند.»

نکته در خور توجه بی‌طرفی عالمانه‌ای است که در تحلیل‌های انتقادی این کتاب دیده می‌شود. این بی‌طرفی نویسنده را از نقد دیدگاه‌های آخوندزاده و دیگر روشنگران ایرانی در زمینه ارزیابی‌های نادرست ایشان از میراث ادبیات تغزیلی و صوفیانه قرون وسطایی ایران بر بنیاد معیارهای خردگرایانه امروزی باز نداشته است.

پژوهش‌های نویسنده در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی ایران به منظور دستیابی به رساله‌ها و مقاله‌های خطی، از قبیل «رساله ریحان بوستان افروز» میرزا آفاخان کرمانی و «فرقة کج بیتان» میرزا ملکم‌خان و بررسی آنها از دیدگاه نقد ادبی بر ارزش و اعتبار کار او می‌افزاید.

گذشته از نکته‌های بدیع و هوشمندانه‌ای که درین آثار یافت می‌شود، مطالعه آنها موجب آشنایی بیشتر خواننده با اندیشه‌های تجددخواهانه متفکران ایرانی است.

آنچه که نویسنده کتاب «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» و تحریر انگلیسی آن «تاریخ نقد ادبی در ایران (۱۸۶۶ – ۱۹۱۵)» در ارزیابی اش از میراث آثار انتقادی روشنگران ایرانی مشترک می‌باشد توجه به مفاهیم تجددخواهی، پیوند عاطفی به ایران و ایرانی و تعهد به درستی و سادگی زبان فارسی است. ازین رو، با همه ایرادهایی که امروزه بر روشنگران وارد است، نظریه‌های انتقادی ایشان در زمانه‌مانی همچنان تازگی، اعتبار و اصالت خود را حفظ کرده است.

به گفته دیک دیویس، استاد گرایانمایه ایران‌شناسی، پژوهش ایرج پارسی نژاد به ویژه از آن رو در خور توجه و ارزشی است که خواننده را از سهم نخستین نویسنده‌گان کمتر شناخته شده ایرانی، مانند آخوندزاده و کرمانی، در تکوین نقد ادبی جدید ایران آگاه می‌کند. دقت، باریک‌بینی و داوری عالمانه او در معرفی آثار ناشناخته نویسنده‌گان یاد شده در خور ستایش بسیار است.

(این مقاله با تلحیص منتشر می‌شود)



پژوهشگاه علم اسلام و مطالعات فرهنگی

## یادآوری

از مشترکین ارجمند سال گذشته بخارا و علاقمندان جدید خواهشمند است از راه لطف، و به منظور پشتیبانی از مجله‌ای که به زبان فارسی، فرهنگ و تحقیقات ایرانی اختصاص یافته است وجه اشتراک سالانه را قبل از شهریور ۱۳۸۲ پرداخت فرمایند. مجله از درآمد اشتراک می‌پاید و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند.